

Analysis of Articles Published in the Journal "Land Planning" from Volume 1 to Volume 16

Abstract Land-use planning or organizing the territory has attracted the attention of many countries in recent years. The present study aims to analyze the articles published in the Journal of Land-Use Planning (Amayesh-e Sarzamin) of Pardis Farabi, University of Tehran. This research is fundamental in purpose. The predominant approach in this study is inductive and it uses a qualitative method. The statistical population of the study [sic]. The data collection method of the research is library-based. By examining the journal's sixteen issues from 2009 to 2024 (1388–1403 in the Iranian calendar), four topics were evaluated: the research methods of the published articles in terms of quantitative, qualitative, or mixed approaches; the authors' affiliated universities; the article subjects; and the case-study regions of the articles. After the necessary data extraction, the obtained results were plotted as charts using Excel. The results showed that from the first to the latest issue of the journal, more than 60 percent of the articles were quantitative, while qualitative and mixed-method articles ranked next. Regarding the number of articles published across the sixteen issues, the University of Tehran has published the most articles in this journal, followed by Islamic Azad University, which has contributed articles in all issues. The most frequent topics published across the issues are, in order: sustainable development, theoretical topics, various urban topics, urban development, and location-allocation (site selection). Among the country's 31 provinces, Tehran province accounts for the highest number of articles published in the Journal of Land-Use Planning. After Tehran, Razavi Khorasan province ranks next with articles published in nine issues of the journal.

Keywords: spatial planning, published articles, Journal of Spatial Planning, Farabi Campus, University of Tehran.

تحلیل روند و تبارشناسی مقالات مجله آمایش سرزمین (مورد: دوره اول تا دوره شانزدهم)

چکیده

آمایش سرزمین یا سروسامان دادن به سرزمین در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر تحلیل مقالات منتشر شده در مجله آمایش سرزمین پردیس فارابی دانشگاه تهران است. این پژوهش از نظر هدف بنیادی است. رویکرد حاکم بر این تحقیق رویکرد استقرایی و با روش کیفی است. جامعه آماری تحقیق روش گردآوری اطلاعات تحقیق از نوع کتابخانه‌ای است. با بررسی دوره‌های شانزده‌گانه مجله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۳ چهار موضوع: روش تحقیق مقالات انجام شده به لحاظ کمی، کیفی و یا ترکیبی، دانشگاه نویسندگان مقالات، موضوعات مقالات و منطقه موردی مقالات مورد ارزیابی قرار گرفته شده است که پس از فیش برداریهای لازم سرانجام نتایج به دست آمده با استفاده از نرم افزار اکسل به صورت نمودار ترسیم شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که مقالات منتشر شده از ابتدا تا آخرین دوره مجله بیشتر از ۶۰ درصد مقالات به صورت کمی بوده است و مقالات کیفی و ترکیبی نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از نظر تعداد مقالات منتشر شده در دوره‌های ۱۶ گانه دانشگاه تهران بیش‌ترین تعداد مقالات را در این مجله به چاپ رسانده است و در رتبه بعدی دانشگاه آزاد اسلامی است که در همه دوره‌ها مقالاتی را به چاپ رسانده است. بیش‌ترین موضوعاتی که در دوره‌های

مختلف در این مجله به چاپ رسیده است به ترتیب شامل توسعه پایدار، موضوعات نظری، موضوعات مختلف شهری، توسعه شهری و مکان‌یابی می‌باشد. در میان ۳۱ استان کشور استان تهران بیش‌ترین مقالات چاپ شده در مجله آمایش سرزمین را به خود اختصاص داده است. پس از تهران استان خراسان رضوی با ۹ دوره مقالات منتشر شده در این مجله در جایگاه بعدی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: مجله آمایش سرزمین، تبارشناسی، تحلیل روند، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران.

مقاله پذیرش شده

سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران و نگاه برنامه ریزان به تنسيق زمين به روايت اسناد و كتب برجای مانده به دوران بسیار قدیم در ایران باز می گردد. اما نخستین جرقة های آمایش به شیوه مدرن به سال های ۱۳۱۶ و تشکیل شورای عالی اقتصاد باز می گردد. به موازات اقدامات اجرایی و تبدیل شدن توزیع متوازن جمعیت و فعالیت به عنوان مساله کلیدی در نظام کلان برنامه ریزی، موضوع آمایش در کشور پررنگ تر و بیش از پیش مورد عنایت قرار گرفت. در سال های گذار و با ظهور نظام برنامه ریزی کلان توسعه قبل و بعد از انقلاب اسلامی، دپارتمان های دانشگاهی نیز یک به یک توسعه یافته و در این راستا عصاره یافته های خود را در قالب مقاله در مجلات به انتشار رساندند. چنان که امروز می توان بالغ بر ۶ مجله علمی با مجوز وزارت علوم در حوزه آمایش اقدام به نشر مقاله می کنند. اما آنچه که در اذهان جامعه علمی و حرفه ای این حوزه مطرح و قابل بحث است اینکه مجلات به عنوان ویتترین نمایش دستاوردهای علمی بدنه دانشگاهی تا چه حد به مثابه یک موجود زنده نسبت به پدیدارهای بیرونی خود واکنش نشان می دهد؟ به واقع مجلات چقدر امر ملی را به صورت ملی مورد نظر دارند؟ آیا مساله کلیدی آمایش که همانا رفع ناترازی در توزیع و استقرار عدالت است؛ خود به موضوعی مشابه در چاپ مقالات در مرکز نشده است؟ و هزاران سوالاتی که می تواند محل بحث در بستر تبارشناسی مجلات و مقالات باشد. این مقاله بنا بر بررسی روند چاپ مقالات در مجله آمایش سرزمین به عنوان یکی از مجلات مهم در این حوزه با رویکرد تبارشناسی دارد.

بیان مساله

در دنیای امروز، مطالعه و تحلیل مسائل مربوط به آمایش سرزمین و توسعه شهری از اهمیت بسیاری برخوردار است. این موضوعات از اساسی ترین و پیچیده ترین مسائلی هستند که در حوزه معماری، شهرسازی و طراحی شهری مورد توجه قرار می گیرند (حبیب زاده، ۱۴۰۰: ۴۴). آمایش سرزمین بخشی از جغرافیای کاربردی و یک شاخه میان رشته ای است که در آن کار جغرافیدانان، اقتصاددانان، برنامه ریزان، جامعه شناسان، اکولوژیست ها، و نظایر آن با هم گره خورده است و در آن یک آینده نگری صورت می گیرد (فایتی و زبردست، ۱۴۰۲: ۱۲۸)؛ که این آینده نگری عبارت است از عینی بخشیدن به مناسبات مشترک و وابسته به هم در گذشته و حال و آینده (حجازی و حبیب زاده، ۱۴۰۳: ۱۰۷). آمایش سرزمین نوعی برنامه ریزی در زمینه توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی همه فعالیت های اقتصادی اجتماعی و معنوی در پهنه سرزمین بر اساس قابلیت ها و منابع طبیعی و انسانی و استفاده درست از قابلیت های سرزمین و سایر امکانات به اندازه توان است (گودرزی و حاجیانی، ۱۴۰۲: ۳).

بررسی سیر تحولات آمایش سرزمین طی سال های گذشته از این واقعیت حکایت دارد که موضوع عدم تعادل های منطقه ای و عدم استفاده از قابلیت های سرزمینی و به عبارتی توسعه نیافتگی بخش های وسیعی از کشور همواره به عنوان یکی از مهمترین دغدغه های برنامه ریزان چه قبل و چه بعد از انقلاب بوده است. به همین دلیل نیز طی سال های گذشته اقدامات گسترده چه در قالب طرح های مطالعاتی یا تدوین قوانین و مقررات صورت گرفت. اما به دلایل مختلف، این اقدامات عقیم مانده و کماکان موضوع آمایش سرزمین و توزیع عادلانه فعالیتها و جمعیت در پهنه سرزمین در کانون توجهات برنامه ریزان و تصمیمگیران کشور قرار گرفته است (جعفریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸).

بنابراین اهمیت مفهوم برنامه ریزی آمایش سرزمین به عنوان فرایندی پویا و منعطف و متناسب با ویژگی های فضایی، اقتصادی، انسانی مناطق مختلف کشورها باعث افزایش اهمیت آن به عنوان یک عامل کلیدی در صاحب نظران و پژوهشگران در کل جهان شده است (سجودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳). محققان کشور ایران نیز از ای قاعده مستثنا نبوده اند و همزمان با پژوهش های جهانی مرتبط با موضوع ابعاد مختلف این مفهوم را بررسی کرده اند. با توجه به نقش پررنگ برنامه ریزی آمایش سرزمی در رفع نارسایی های نظام برنامه ریزی کشور، حرکت به سمت توسعه

متوازن و پایدار، تحقق عدالت اجتماعی، و رونق اقتصاد غنی سازی پژوهش‌های این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است (ذکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳). یکی از مجلات معتبر و معروف در این حوزه، فصلنامه آمایش سرزمین است که بررسی و تحلیل مقالات و مطالب منتشر شده در این فصلنامه می‌تواند به توسعه دانش و پژوهش در این حوزه کمک شایانی نماید. بررسی مقالات این مجله می‌تواند مشخص نماید که چه موضوعاتی در راستای آمایش سرزمین کشور بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی مقالات مجله آمایش سرزمین در پردیس فارابی دانشگاه تهران از بدو تاسیس تاکنون است.

این پژوهش در پی پاسخ به این سوالات است:

سوال کلیدی تحلیلی: روندهای غالب در پژوهش‌های حوزه آمایش سرزمین ایران، با تأکید بر مجله تخصصی «آمایش سرزمین»، در یک بازه زمانی مورد مطالعه چه بوده و این روندها چه خلأها یا سوگیری‌های معرفت‌شناختی را در این حوزه آشکار می‌سازد؟
سوالات فرعی تحلیلی:

نحوه تولید علم: «غلبه روش‌شناسی کمی بر پژوهش‌های این حوزه، چگونه بر نوع پرسش‌های مطرح شده، ماهیت یافته‌ها و قابلیت کاربرد آن‌ها در سیاست‌گذاری فضایی تأثیر گذاشته است؟

ژئوپلیتیک دانش: تمرکز جغرافیایی شدید مطالعات بر استان تهران و غفلت نسبی از سایر مناطق، چگونه بازتولید کننده نابرابری‌های منطقه‌ای در دسترسی به منابع پژوهشی و امکان‌سازی برای توسعه متوازن است؟

سیر تکامل موضوعی: تغییر سهم موضوعاتی مانند 'توسعه پایدار'، 'موضوعات نظری' و 'مکان‌یابی' در طول زمان، چه تحولاتی در اولویت‌ها و گفتمان مسلط حوزه آمایش سرزمین ایران را نشان می‌دهد؟

نقش نهادها: سلطه نهادی دانشگاه تهران در تولید ادبیات این مجله، چه مزایا و چه مخاطراتی (مانند یکسان‌سازی دیدگاه‌ها یا بیتوجهی به زمینه‌های محلی) برای پویایی حوزه آمایش سرزمین به همراه داشته است؟

سطح ۲: سوالات تحلیل تبارشناسی (گفتمانی)

"گفتمان مسلط 'آمایش سرزمین' در ایران چگونه از طریق مقالات مجله تخصصی آن در دو دهه اخیر تولید، تثبیت یا به چالش کشیده شده است؟ چه مفاهیم، سوژه‌ها (انسان/مکان) و روابط قدرت در این گفتمان برساخت شده‌اند؟"

سوالات فرعی تبارشناسانه:

برساخت مفهوم توسعه: مفهوم 'توسعه پایدار' به عنوان پرتکرارترین موضوع، در این مقالات با چه مؤلفه‌هایی (اقتصادی، محیط‌زیستی، اجتماعی) و با اولویت‌بندی چگونه‌ای تعریف شده است؟ کدام نهاد آن حاشیه‌نشین شده‌اند؟

بازنمایی فضا و مکان: استان‌ها و مناطق کشور در این مقالات چگونه بازنمایی می‌شوند؟ به عنوان 'مشکل'، 'موضوع مطالعه'، 'منبع' یا 'سوژه‌ای دارای عاملیت'؟ این بازنمایی‌ها چه تأثیری بر سیاست‌های فضایی دارد؟

نقش متخصصان: چگونه نویسندگان (عمدتاً دانشگاهی) از طریق این مجله، جایگاه خود را به عنوان 'کارشناسان قانونی' حوزه آمایش تثبیت کرده‌اند و روابط خود را با 'سیاست‌گذار' و 'جامعه محلی' تعریف می‌کنند؟

گسست‌ها و تداوم‌ها: آیا می‌توان در ادبیات این مجله، نقطه‌عطف‌ها یا گسست‌هایی در نحوه نگاه به آمایش (مثلاً از نگاهی فنی-مهندسی به نگاهی اجتماعی-محیطی) شناسایی کرد؟ چه رویدادهای سیاسی-اجتماعی با این

گسست‌ها هم‌زمان بوده‌اند؟

مبانی نظری

پیدایش مقوله آمایش سرزمین علاوه بر پیشینه کنجاوانه بشر از آغاز خلقت تاکنون، همچنین حاصله نادرستی استفاده از سرزمین است. سرزمین یک منبع محدود و آسیب پذیر است؛ اما بسیاری از سودمندی‌های آن اگر درست مدیریت شود، تجدید شدنی است (میرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶۴). آمایش سرزمین از تنظیم رابطه انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به وجود می‌آید. بر این اساس آمایش به عنوان یک رویکرد، برخوردی است فضایی که توامان از چهار ویژگی جامع‌نگری (جامعیت انضباط‌های اساسی توسعه)، کل‌گرایی (رعایت سطح راهبردی مباحث)، دورنگری (التزام به افق زمانی مشخص) و نتیجه‌گیری فضایی یا جغرافیایی (در حد جهت‌گیری‌های کلی بدون تعیین‌های مکانی) برخوردار می‌باشد. براساس این ویژگی‌ها، آمایش سرزمین به عنوان یک سند مدیریت توسعه، تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه یافتگی سرزمین است (مختاری هس و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

آمایش سرزمین به معنای طراحی، توسعه و حفظ فضاهای زندگی است که انسان و طبیعت در آن تعامل می‌کنند و به صورت هماهنگ و موازنه‌ای ترکیب شده‌اند. این مفهوم بیش از یک ساده‌نویسی جغرافیایی است؛ بلکه یک نگرش گسترده‌تر به زندگی و فضاهایی که در آن زندگی می‌کنیم و اعمال ما بر آن‌ها می‌باشد. آمایش سرزمین نه تنها به زیبایی و طراحی زیستگاه‌ها اهمیت می‌دهد، بلکه بر تنوع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ها و تعامل آنها با محیط طبیعی نیز تأکید دارد. این مفهوم به دنبال ایجاد جوامع پایدار، انسانی و محیط زیستی است که برای نسل‌های آینده حفظ و بهبود یافته است (بهرامی جاف و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۲).

رسالت اصلی آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه کشور طرح‌ریزی نقشه راه توسعه بلندمدت و سازماندهی فضایی کشور در چارچوب تقسیم کار ملی و منطقه‌ای و بخشی است. به عبارت دیگر، آمایش سرزمین از طریق آینده‌نگاری توسعه سرزمین، سیاستگذاری، انتظام بخشی مناطق و بخشها، و فرصت‌سازی بستر لازم را برای توسعه پایدار و متوازن فراهم می‌سازد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸۲). بر اساس مواد قانونی برنامه‌های چهارم و پنجم و ششم توسعه کشور، استقرار نظام یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی و تنظیم روابط ارکان آن از اولویت‌های اصلی دولت‌ها بوده است. در این زمینه، تدوین طرح‌های آمایش ملی و منطقه‌ای و استانی بستر تعادل بخشی در سرزمین تلقی می‌شود. اگرچه اهمیت دادن به این موضوع نزد دولت‌ها متأثر از طرز نگرش به آمایش سرزمین و پشتوانه‌های اجرایی آن متفاوت بوده، رویکرد جدید در آمایش کشور بر چهار اصل آینده‌نگاری، انتظام بخشی مناطق، برقراری تعادل، و برنامه‌ریزی مشارکتی تأکید دارد (بیزدان پناه درو، ۱۳۹۷: ۱۱).

آمایش سرزمین به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی و چندمرکزی، به تعامل انسان با محیط زیست، تنوع فرهنگی و اجتماعی، توسعه پایدار و ارتباطات بین افراد و جوامع توجه دارد. بنابراین، اهمیت آمایش سرزمین در ایجاد فضاهایی سالم و پایدار برای انسان و طبیعت آشکار است که نقش آن در شکل‌دهی به زندگی انسان و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی حائز اهمیت است. آمایش سرزمین نیاز به همکاری و هماهنگی بین افراد، جوامع و سازمان‌ها دارد تا با هم به حفظ و بهبود فضاهای زندگی خود پردازند. این فرایند نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، استفاده از منابع طبیعی با هوشمندی و ارزیابی مداوم آثار و اثرات انسان بر محیط زیست است. به عبارت دیگر، آمایش سرزمین درگیر طراحی و توسعه فضاهایی است که تأثیرات منفی بر محیط زیست کمترین میزان ممکن را داشته و برای زندگی انسانی بهتر و پایدارتر ارائه شود (ثامنی و زبردست، ۱۴۰۱: ۱۲۸).

آمایش سرزمین نوعی هدایت و مدیریت راهبردی است (شفیعی رودپشتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۹۶)؛ که سعی می‌کند پیوندهای انسان با فعالیت‌هایش را در محیط و فضایی که در آن قرار دارد مورد مطالعه قرار داده و با رعایت مسائل زیست‌محیطی و استفاده از منابع تجدید پذیر و مقابله با روندهای مخرب محیط‌زیست، سیستم فضایی پایداری را

فراهم آورد و برنامه‌های توسعه فضایی بلندمدت و پایدار متکی بر مشارکت عمومی را عملی سازد (جوانشیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۹). آمایش سرزمین نوعی هدایت و مدیریت راهبردی است که سعی می‌کند پیوندهای انسان با فعالیت‌هایش را در محیط و فضایی که در آن قرار دارد مورد مطالعه قرار داده و با رعایت مسائل زیست‌محیطی و استفاده از منابع تجدید پذیر و مقابله با روندهای مخرب محیط‌زیست، سیستم فضایی پایداری را فراهم آورد و برنامه‌های توسعه فضایی بلندمدت و پایدار متکی بر مشارکت عمومی را عملی سازد (Wang et al., 2023: 102). در واقع آمایش سرزمین بازتاب سرزمینی توسعه بلندمدت کشور است. نگرش آمایشی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از وسعت و پهنای سرزمین در راستای توسعه بلندمدت بهره‌برداری کنیم. اگر استراتژی، «توسعه صنعتی» باشد نگاه آمایشی «تصرف» سرزمین و پخش کردن فعالیت در گستره جغرافیایی اسعت ولی اگر چنانچه استراتژی به «پسا صنعتی» شدن نظر داشته باشد، در نگاه آمایشی پایداری محیط زیست و بازگشت به طبیعت اهمیت خواهد یافت (Ellis, 2021: 3).

به نظر برخی از متفکران، موضوع اصلی آمایش سرزمین مدیریت کشور است. صاحب‌نظران دیگری نیز، برحسب دیدگاه خود در بررسی پدیده‌ها، آمایش سرزمین را به گونه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که به لحاظ مفهومی^۱ آمایش سرزمین برقراری تعادل بین عناصر سه گانه انسان، فضا و فعالیت است و سه مقوله مطرح در بحث آمایش سرزمین در ارتباط با این عناصر سه گانه هستند؛ بدین صورت که در رابطه با عنصر انسان مقوله مدیریت مطرح می‌شود، در رابطه با عنصر فضا مقوله اقلیم و در رابطه با عنصر فعالیت مقوله برنامه و برنامه ریزی (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

اهداف آمایش سرزمین مختلف است و می‌تواند شامل ملاحظات ایمنی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی و رفع محرومیت‌ها باشد. در اغلب برنامه‌های آمایشی، این اهداف مورد توجه قرار می‌گیرد (Regasa et al, 2021). در شرایط کنونی کشور به منظور دستیابی به اهداف یادشده در سند ملی آمایش سرزمین در افق ۱۴۲۴ ایفای نقش نهادها و بازیگران مختلف جهت اجرای سند بیش از پیش اهمیت دارد. عمل به وظیفه در خصوص وظایفی که سند ملی آمایش سرزمین بر عهده بازیگران متعدد گذاشته موجبات شکوفایی متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را فراهم می‌آورد و برعکس همان‌گونه که در شرایط حاضر مشاهده می‌شود کم‌کاری و سهل‌انگاری و سستی در این زمینه خسارت‌های جبران ناپذیری را در پهنه سرزمینی کشور به بار خواهد آورد. در تحقق اهداف سند، بازیگران مختلفی نقش‌آفرینی می‌کنند و همان‌گونه که مطرح شد پژوهشگران در این پژوهش به دنبال احصای بازیگران اصلی و برآورد میزان تأثیرگذاری و کارکرد آنان پس از تصویب و ابلاغ سند ملی آمایش سرزمین، به کمک تحلیل بازیگر محور، بودند تا با تجزیه و تحلیل نتایج با رویکرد آینده پژوهانه و نگاه به وضعیت کنونی عملکردی بازیگران آینده پیش روی سند در افق ۱۴۲۴ را ترسیم کنند. در عرصه برنامه ریزی آمایش سرزمین پرداختن به آینده و اعمال دانش آینده‌پژوهی در این برنامه ریزی بدون شک کمک ژرفی به تحقق هر چه بیشتر و بهتر آمایش مناطق و موفقیت فرایند برنامه‌ریزی خواهد کرد. بهبود جایگاه و همچنین ارتقای دانش آینده پژوهی در فرایند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین کمک وافری به اثربخشی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین خواهد کرد (گودرزی و حاجیان، ۱۴۰۲: ۵).

با عنایت به مبانی نظری مستتر در ادبیات آمایش سرزمین، این دانش در تلاش برای ایجاد و استقرار عدالت سرزمینی و توسعه متوازن و همساز در پهنه سرزمین است. در این راستا تطبیق شکلی و محتوایی مقالات در مجله آمایش سرزمین هم از نظر تعداد، هم از نظر موضوع، هم از نظر گستره جغرافیایی نویسندگان، هم از منظر روش مورد توجه قرار گرفته است. تا از این طریق به درک مبانی اندیشه‌ای تبارشناسانه و تحلیل روندها و شناسایی

سوگیری‌های معرفت‌شناختی و ساختاری در تولید دانش حوزه آمایش، کشف چگونگی شکل‌گیری، تثبیت و اثرات گفتمان مسلط در حوزه آمایش و روابط قدرت نهفته در آن، بپردازد.

تحلیل محتوا به عنوان یک روش پژوهشی نظام‌مند برای توصیف عینی، کمی و کیفی محتوای آشکار پیام‌ها به کار می‌رود. در این پژوهش، از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی برای استخراج مضامین و کدها از مقالات مجله استفاده شده است. فرآیند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از تکنیک بازبینی توسط همکاران و توافق بین کدگذاران استفاده شد. ضریب توافق کاپای کوهن میان دو کدگذار مستقل به میزان ۰,۸۷ محاسبه گردید که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد قابل قبول در فرآیند کدگذاری است. این روش امکان کشف الگوها، سوگیری‌ها و گفتمان‌های مسلط در تولید دانش آمایش سرزمین را فراهم می‌سازد.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی مقالات مجله آمایش سرزمین در پردیس فارابی دانشگاه تهران از زمان تاسیس تا کنون که ۱۶ دوره چاپ گردیده است می‌باشد. این تحقیق به لحاظ هدف جزء مقالات بنیادی است. رویکرد حاکم بر این تحقیق رویکرد استقرایی و با روش کیفی است. جامعه آماری تحقیق روش گردآوری اطلاعات تحقیق از نوع کتابخانه‌ای است. با بررسی دوره‌های مختلف مجله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۳ چهار موضوع: روش تحقیق مقالات انجام شده به لحاظ کمی، کیفی و یا ترکیبی، دانشگاه نویسندگان مقالات، موضوعات مقالات و منطقه موردی مقالات مورد ارزیابی قرار گرفته شده است که پس از فیش برداری‌های لازم سرانجام نتایج به دست آمده با استفاده از نرم افزار اکسل به صورت نمودار ترسیم شده است. اما در بخش تحلیل روند و تبارشناسی ضمن توجه به مبانی روش‌شناسی این روش (جدول شماره ۱) بر اساس روش گلوله برفی ۱۳ نفر از خبرگان حوزه آمایش سرزمین به عنوان نمونه مورد مصاحبه قرار گرفته و حجم اشاره شده بر اساس قاعده اشباع نظری تعیین شده است.

جدول شماره ۱: روش تحقیق: از تحلیل کتاب‌سنجی تا تحلیل گفتمان

عنصر روش‌شناسی	روش اصلی مقاله (سطح توصیف)	روش تحلیل سطح ۱ (تحلیل انتقادی کتاب‌سنجی)	روش تحلیل سطح ۲ (تحلیل تبارشناسانه/گفتمان)
هدف پژوهش	توصیف و ارائه آمار از مقالات مجله در چهار متغیر: روش، موضوع، نویسنده، منطقه.	تحلیل روندها و شناسایی سوگیری‌های معرفت‌شناختی و ساختاری در تولید دانش حوزه آمایش.	کشف چگونگی شکل‌گیری، تثبیت و اثرات گفتمان مسلط در حوزه آمایش و روابط قدرت نهفته در آن
پارادایم حاکم	پسا-اثبات‌گرایی: با رویکردی عینی به دنبال استخراج واقعیت‌های قابل مشاهده و شمارش است.	انتقادی: مفروضات، قدرت و ایدئولوژی نهفته در پشت روندهای به ظاهر عینی و طبیعی را به چالش می‌کشد.	ساخت‌گرای اجتماعی/تفسیری: واقعیت را برساخت‌شده اجتماعی و گفتمانی می‌داند و به معنا، زبان و قدرت در شکل‌گیری آن توجه دارد.
طرح تحقیق	طرح توصیفی-پیمایشی مبتنی بر تحلیل محتوای کمی.	طرح تحلیل محتوای کمی-کیفی تلفیقی با رویکرد انتقادی.	طرح تحلیل گفتمان یا تبارشناسی کیفی.
جامعه و نمونه	جامعه: تمامی مقالات ۱۶ دوره مجله آمایش سرزمین. نمونه: تمام سرشماری.	همان جامعه و نمونه سطح قبل، اما واحد تحلیل از «مقاله» به الگوها و روندهای فراتر از تک مقالات تغییر می‌یابد.	جامعه و نمونه مشابه، اما واحد تحلیل، «گفتمان»، «مفاهیم کلیدی» و «روابط بازنمایی‌شده» در مجموعه مقالات است.
روش گردآوری داده	کتابخانه‌ای-اسنادی: فیش‌برداری سیستماتیک از مقالات بر اساس چهار متغیر از پیش تعیین شده.	علاوه بر فیش‌برداری اولیه، نیازمند مستندسازی بافت مقالات (زبان به کار رفته، چارچوب‌های نظری غالب، غایبان گفتمان)	خوانش انتقادی و عمیق متون: تمرکز بر زبان، استعاره‌ها، تقابل‌های دوتایی (مثلاً

	است.		
پیشرفته/عقب مانده، سکوت‌ها و حذف‌شده‌ها در مقالات.			
۱. تحلیل روند: بررسی تغییرات در طول زمان. ۲. تحلیل ارتباط: بررسی همراهی متغیرها (مثلاً رابطه بین روش تحقیق و موضوع). ۳. تفسیر انتقادی: ارتباط دادن الگوهای کمی با مبانی معرفت‌شناختی و ساختارهای قدرت.	۱. تحلیل گفتمان: بررسی چگونه ساختن واقعیت از طریق زبان. ۲. تحلیل تبارشناسی: ردگیری تاریخ مفاهیم کلیدی و گسست‌ها. ۳. تحلیل نشانه‌شناسی: بررسی دال‌ها و مدلول‌ها در متن.	توصیف آماری ساده: شمارش، درصدگیری و ترسیم نمودار در اکسل.	روش تحلیل داده
اعتبار تفسیری: ارائه شواهد متقن از متن برای ادعاهای تحلیلی. شفافیت روش: توصیف دقیق گام‌های تفسیر از داده به تحلیل.	اعتبار: غنای توصیف، بررسی توسط همتایان، انسجام درونی تحلیل. بازتابندگی: تصریح جایگاه پژوهشگر و پیش‌فرض‌هایش.	قابلیت اعتماد: تکرارپذیری شمارش با کدگذاری مشخص. روایی ظاهری: تناسب متغیرها با سوالات ساده.	معیارهای اعتبار
تحلیل انتقادی: شناسایی سوگیری‌ها، خلأها و تناقضات. پاسخ به سوال «چرا این الگوها وجود دارند و چه پیامدی دارند؟»	نظریه پردازی گفتمانی: آشکارسازی رژیم‌های حقیقت، بر ساخت‌های اجتماعی و مکانیسم‌های قدرت. پاسخ به سوال «این دانش چگونه واقعیت را می‌سازد و چه کسی از این سازندگی سود می‌برد؟»	آمار توصیفی: نمودارها و جداول فراوانی. پاسخ به سوالات «چه کسی، چه چیزی، کجا».	خروجی تحلیل
نقد اجتماعی: روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان	حفار گفتمان: روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان	خنثی: جمع‌آورنده و گزارش‌دهنده عینی داده‌ها.	نقش پژوهشگر

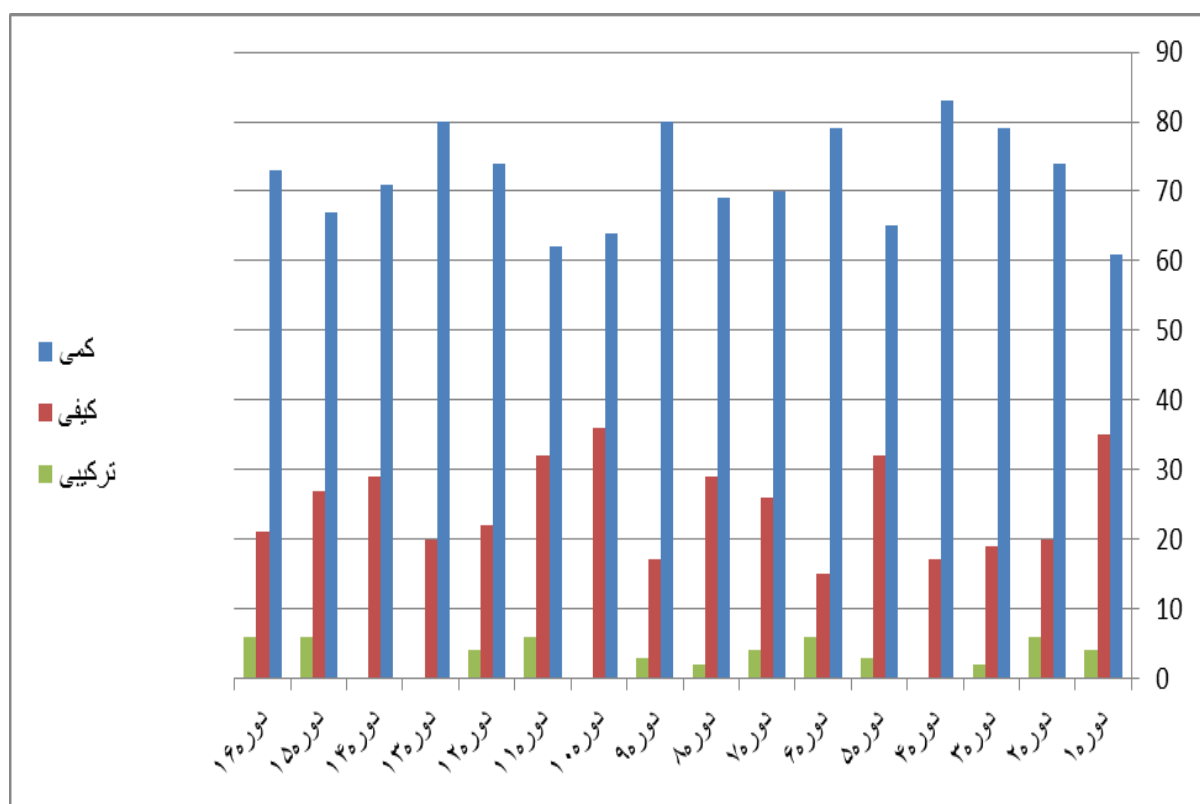
یافته‌های عینی

در این مطالعه با توجه به کیفی تحقیق یافته‌های تحقیق به چهار موضوع روش تحقیق مقالات، دانشگاه نویسنده-گان، موضوع مقالات و منطقه مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه به بررسی هر کدام به صورت مجزا پرداخته شده است.

فراوانی روش تحقیق (کیفی، کمی یا ترکیبی)

بررسی‌های صورت گرفته از شانزده دوره مقالات مجله آمایش سرزمین بیانگر این است که از ابتدای چاپ مقالات در مجله تا آخرین شماره چاپ شده بیانگر این است که در همه دوره‌ها تعداد مقالاتی که به صورت کمی چاپ شده‌اند نسبت به مقالاتی که روش تحقیق آن‌ها کیفی و یا ترکیبی بوده است بیشتر بوده است. در دوره اول ۶۱ درصد مقالات کمی، ۳۵ درصد به صورت کیفی و ۴ درصد نیز ترکیبی از روش کمی و کیفی بوده است. مقالات کمی تا دوره چهارم رشد چشمگیری داشته است به نحوی که در دوره چهارم ۸۳ درصد از مقالات کمی بوده است که این مقدار در میان شانزده دوره چاپ مجله بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص داده است. از دوره پنجم تعداد مقالات کمی کاهش نسبی داشته به نحوی که در این دوره ۱۸ درصد کاهش را شاهد هستیم و به ۶۵ درصد رسیده است. در ادامه نیز مقالات کمی در دوره‌های مختلف شاهد کاهش و افزایش بوده است و سرانجام در آخرین دوره به ۷۳ درصد رسیده است. مقالات کیفی نیز در دوره درصد چشمگیری از مقالات مجله را به خود اختصاص داده است با ۳۵ درصد و در دوره‌های بعد کاهش زیادی داشته است تا این که در دوره دهم به جایگاه اولیه خود در دوره اول می‌رسد و در آخرین دوره نیز به ۲۷ درصد رسیده است. مقالات ترکیبی که در مجموع در همه دوره درصد بسیار کمی را به

خو اختصاص داده است در هیچ دوره‌ای بیش‌تر از ۶ درصد نرسیده است و در همه دوره‌ها بین ۰ تا ۶ درصد متغیر بوده است (شکل ۱).



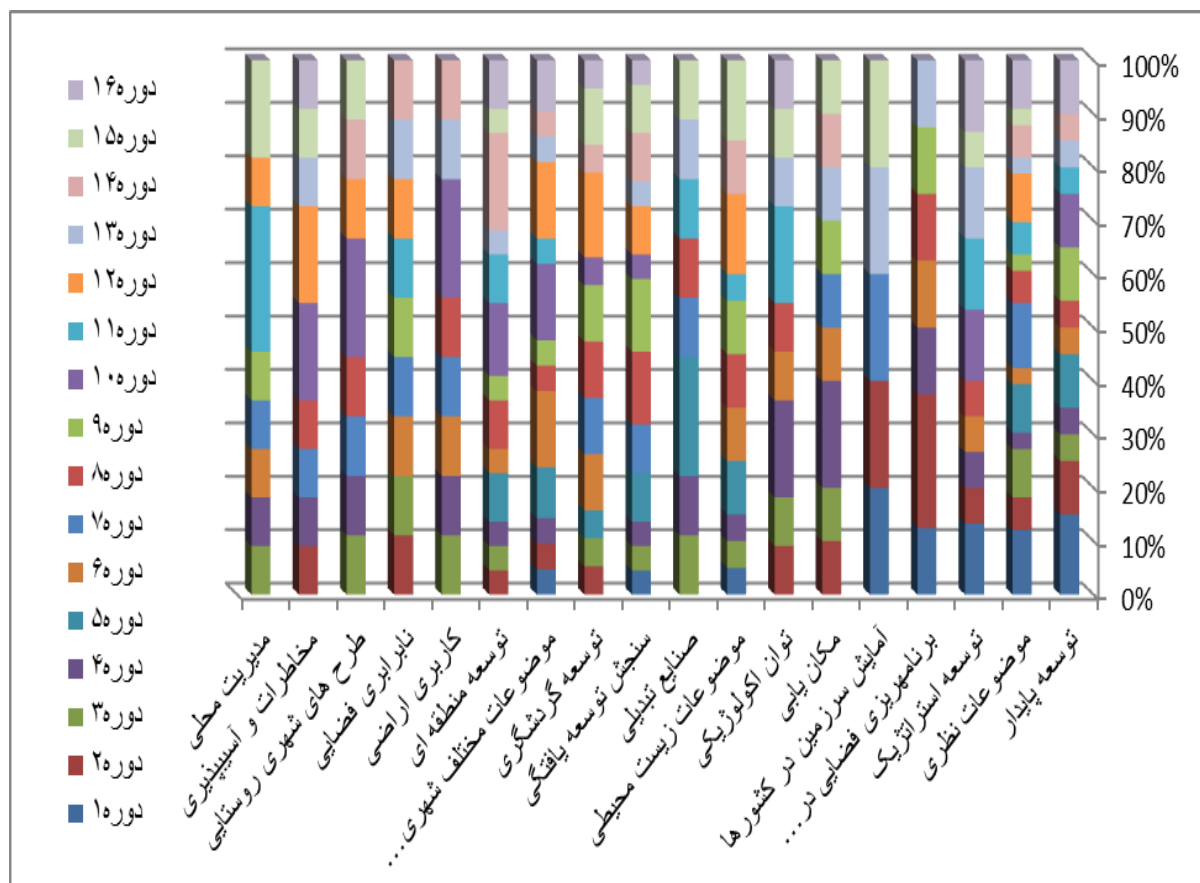
شکل ۱. فراوانی روش تحقیق در مقالات انجام شده در دوره‌های اول تا شانزدهم مجله آمایش سرزمین

دانشگاه نویسندگان

در بررسی دانشگاه نویسندگان مقاله‌های مجله آمایش سرزمین از دوره اول تا دوره شانزدهم مشاهده می‌گردد که ۳۵ دانشگاه تاکنون مقالاتی را در این مجله به چاپ رسانده‌اند که نشان دهنده اهمیت این مجله در بین دانشگاه‌های کشور است. در اولین دوره از شماره‌های این مجله دانشگاه تهران بیش از ۷۰ درصد از مقالات مجله را به خود اختصاص داده است و تنها دو دانشگاه دیگر یعنی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه شیراز مقالاتی در این شماره به چاپ رسانده‌اند. در دوره دوم بر تعداد دانشگاه‌هایی که در این مجله مقاله به چاپ رسانده‌اند با رشد اندکی افزایش یافته است که باز هم ۶۶ درصد از تعداد مقالات منتشر شده مربوط به دانشگاه تهران است. در آخرین شماره منتشر شده نیز دانشگاه تهران از نظر تعداد مقالات منتشر شده در صدر قرار گرفته است اما در این دوره تنها ۲۷ درصد مقالات متعلق به این دانشگاه است. از نظر تعداد مقالات منتشر شده در دوره‌های ۱۶ گانه دانشگاه تهران بیش‌ترین تعداد مقالات را در این مجله به چاپ رسانده است و در رتبه بعدی دانشگاه آزاد اسلامی است که در همه دوره‌ها مقالاتی را به چاپ رسانده است. دانشگاه‌های اصفهان، شهید بهشتی تهران و تربیت مدرس تهران نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کم‌ترین تعداد مقالات به چاپ رسیده در دوره‌های مختلف نیز به دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه نور، دانشگاه زابل، دانشگاه یزد و دانشگاه سبزوار اختصاص یافته است (شکل ۲).

هر چند از منظر بسیاری از اندیشمندان حوزه آمایش تعدد چاپ مقاله در دانشگاه تهران به دلایلی چون اولاً: این دانشگاه رشته قوی آمایش سرزمین در دانشکده جغرافیا داشته و ثانیاً: وجود استقبال بیشتر از مجله آمایش سرزمین

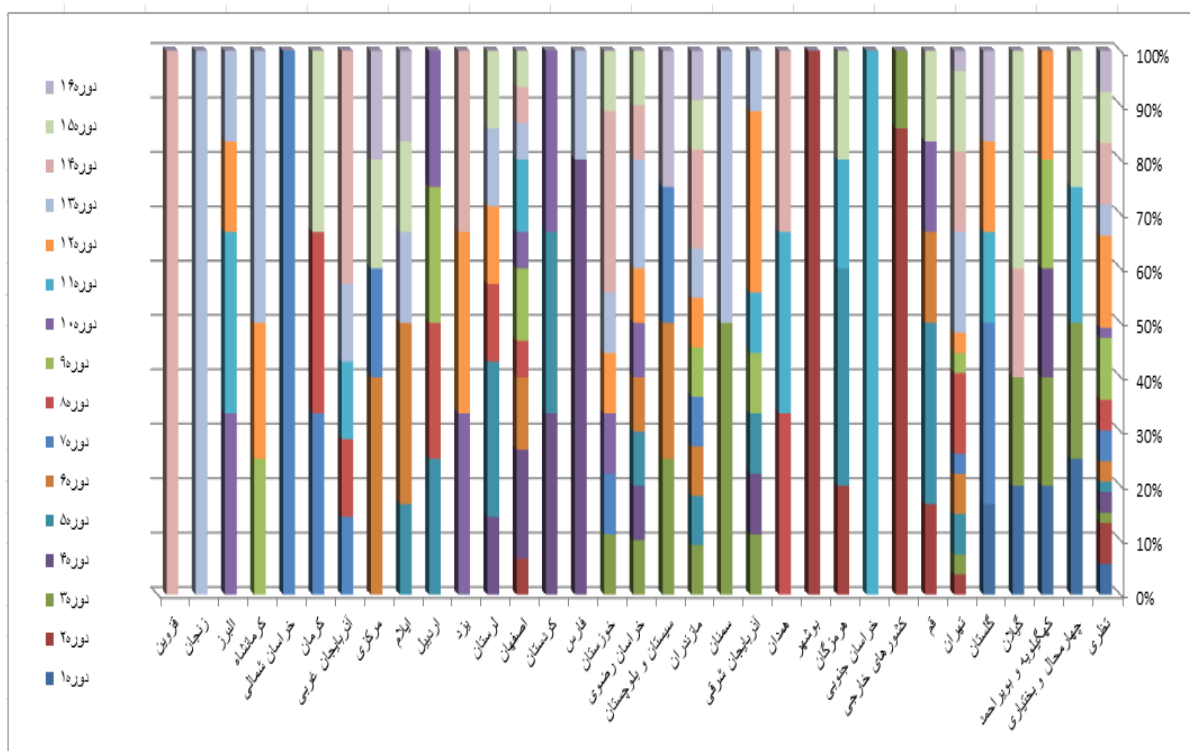
به چاپ رسیده است به ترتیب شامل توسعه پایدار، موضوعات نظری، موضوعات مختلف شهری، توسعه شهری و مکان‌یابی می‌باشد. همچنین موضوعاتی که در دوره‌های مختلف کم‌ترین درصد مقالات چاپ شده را به خود اختصاص داده است به ترتیب شامل آمایش سرزمین در کشورهای مختلف، صنایع تبدیلی و کاربری اراضی می‌باشد (شکل ۳).



شکل ۳. فراوانی موضوعات مقالات در مقالات انجام شده در دوره‌های اول تا شانزدهم مجله آمایش سرزمین

منطقه مورد مطالعه

در بررسی منطقه مورد مطالعه در مجله آمایش سرزمین که در دوره‌های شانزدهم تا بیستم مجله آمایش سرزمین این که تمام ۳۱ استان در این مجله مقالاتی از آن‌ها به چاپ رسیده است دو موضوع نظری و کشورهای خارجی نیز در این مجله مقالاتی به چاپ رسیده است. موضوعات نظری با پانزده دوره مقالات منتشر شده به عنوان بیش‌ترین تعداد مقالاتی که در دوره‌های مختلف به چاپ رسیده را به خود اختصاص داده است. استان تهران با دوازده دوره مقالات منتشر شده دومین رتبه را از نظر منطقه مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر در میان ۳۱ استان کشور استان تهران بیش‌ترین مقالات چاپ شده در مجله آمایش سرزمین را به خود اختصاص داده است. پس از تهران استان خراسان رضوی با ۹ دوره مقالات منتشر شده در این مجله در جایگاه بعدی قرار گرفته است. همچنین تعدادی از استان‌ها تنها در یک دوره از شماره‌های این مجله مقالاتی را به چاپ رسانده‌اند. استان‌های قزوین، زنجان، خراسان جنوبی و بوشهر فقط یک دوره مقالاتی را به چاپ رسانده‌اند. همچنین استان فارس و کشورهای خارجی در دو دوره از مجله مقالاتی از آن‌ها به چاپ رسیده است (شکل ۴).



شکل ۴. فراوانی منطقه مورد مطالعه در مقالات انجام شده در دوره‌های اول تا شانزدهم مجله آمایش سرزمین

تحلیل و برآیند

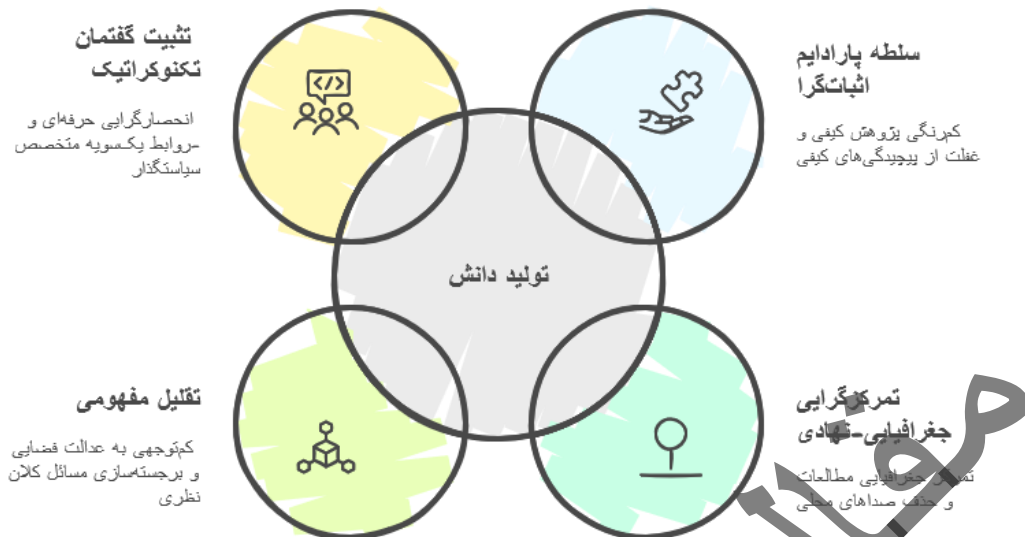
بررسی تحولات روش‌شناختی، موضوعی و جغرافیایی مقالات در بازه ۱۶ ساله نشان‌دهنده الگوهای پایداری است. از لحاظ روش‌شناسی، سلطه پارادایم کمی از دوره اول (۱۳۸۸) تا دوره شانزدهم (۱۴۰۳) تداوم داشته است، اگرچه در دوره‌های میانی (دوره‌های ۵ تا ۱۰) کاهش نسبی سهم مقالات کمی و افزایش مقالات کیفی مشاهده می‌شود. از نظر موضوعی، "توسعه پایدار" به عنوان موضوع مسلط در تمامی دوره‌ها حضور پررنگی دارد، اما از دوره دهم به بعد، موضوعات "عدالت فضایی" و "مشارکت اجتماعی" نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. از منظر جغرافیایی، تمرکز بر استان تهران در تمامی دوره‌ها مشهود است، اما از دوره هشتم به بعد، مطالعات مربوط به استان‌های خراسان رضوی، اصفهان و فارس نیز افزایش یافته است. به منظور تحلیل و برآیند بررسی‌های انجام شده، با عنایت به مصاحبه انجام شده با متخصصین در ابتدای امر یافته مصاحبه بر اساس روش تحلیل مضمون به قرار جدول زیر ارائه شده است و در ادامه به تحلیل آنها پرداخته شده است.

جدول شماره: خروجی نهایی تحلیل مضمون: مضامین، کدها و استناد به متخصصان

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تعریف (هسته مرکزی دیدگاه)	نمونه‌هایی از کدهای اولیه	متخصصان
سلطه پارادایم اثبات‌گرا و حاشیه‌نشینی رویکردهای تفسیری	هژمونی روش کمی	دانش معتبر آمایش، منحصرأ از طریق روش‌های کمی و عینی تولید می‌شود و سایر رویکردها کمتر معتبر تلقی می‌گردند.	"تنها راه علمی، آمار و مدل بوده است!"؛ "مقاله کیفی را چندان مقبول نیست!"؛ "سلطه عدد و رقم"	P2, P5, P7, P9, P11
	کم‌رنگی پژوهش کیفی/ترکیبی	روش‌های کیفی که برای فهم زمینه، معنا و فرآیندها ضروری هستند، در حوزه آمایش نقشی حاشیه‌ای دارند.	"کیفی کار کردن سخت است!"؛ "تحلیل محتوا و مصاحبه جایی ندارد!"؛ "ترکیبی‌ها پیچیده هستند"	P1, P3, P8, P13
	غفلت از پیچیدگی‌های کیفی	مسائل پیچیده‌ای چون عدالت، هویت و قدرت که ذاتاً کیفی هستند، در پژوهش‌های کمی‌گرا نادیده یا ساده‌انگاری می‌شوند.	"عدالت فضایی را نمی‌توان فقط با شاخص سنجید!"؛ "بعد فرهنگی فراموش می‌شود"	P4, P6, P10, P12

P1, P5, P9, P10, P11, P13	"قدرت شهر تهران در تسلط دانشی نیز اثرگذار بوده است!"	تولید دانش و تعیین اولویت‌های پژوهشی در انحصار معدود دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کلان‌شهری (به ویژه تهران) است.	مرکزگرایی نهادی	تمرکزگرایی جغرافیایی- نهادی و تولید دانش ناهم‌بستر
P2, P3, P6, P7, P8, P12	"همه پایان‌نامه‌ها درباره تهران است!" "دسترس‌پذیری داده در تهران و حمایت از مطالعات در تهران بیشتر است"	استان تهران به سوژه اصلی مطالعات میدانی تبدیل شده و سایر مناطق کشور سهم ناچیزی در توجه پژوهشی دارند.	تمرکز جغرافیایی مطالعات	
P4, P6, P8, P12	"صدای مردم محلی گوش بسیار کم اثر است!" "مسئله ما در مقالات تعریف نمی‌شود"	دانش بومی، تجربیات محلی و مسائل خاص مناطق در فرآیند تولید دانش رسمی نادیده گرفته می‌شود.	حذف صدا و دانش محلی	تقلیل مفهومی و غفلت از ابعاد سیاسی- اجتماعی آمایش
P3, P7, P10, P13	"توسعه پایدار یعنی همان پارک سازی!" "بعد معیشتی مردم فراموش شده"	این مفهوم غنی به شاخص‌های فنی- کالبدی (مانند فضای سبز سرانه) تقلیل یافته و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و نهادی آن کمرنگ است.	تقلیل «توسعه پایدار»	
P1, P4, P6, P9, P12	"آمایش باید از عدالت شروع کند!" "مردم فقط موضوع مطالعه هستند، نه شریک"	توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌ها بین مناطق، و نیز لزوم مشارکت فعال ذی‌نفعان، از کانون توجه پژوهش‌ها دور است.	کم‌توجهی به عدالت فضایی و مشارکت	برجسته‌سازی مسائل کلان نظری
P2, P5, P8, P11	"همه در فضای انتزاعی حرف می‌زنند!" "مسئله روز مناطق در مجلات مطرح نمی‌شود"	مباحث انتزاعی و کلان‌نگر در اولویت هستند، در حالی که مسائل عملیاتی و فوری مناطق مورد غفلت قرار می‌گیرند.		
P5, P7, P9, P11	"هر مشکلی یک راه‌حل فنی دارد!" "برنامه ریزی یک علم دقیق است"	این تصور ایجاد شده که راه‌حل‌های فنی- مهندسی، تنها و "طبیعی‌ترین" پاسخ به مسائل فضایی هستند.	طبیعت‌سازی دانش فنی	تثبیت گفتمان تکنوکراتیک و نقش متخصص
P1, P3, P10, P13	"نشست اصطلاحات!" "نظرات جامعه‌شناسان کم رنگ بوده"	جامعه متخصصان با ایجاد مرزهای زبانی و روشی سخت، امکان مشارکت رشته‌ها و دیدگاه‌های دیگر را محدود می‌کند.	انحصارگرایی حرفه‌ای	
P2, P4, P6, P8, P12	"نگاه دانای کل در مرکز همواره اقدام به نسخه پیچی برای پیرامون کرده!" "گفت‌وگو با دولت یکطرفه است"	متخصص خود را در موضع "دانش‌آور" و سیاست‌گذار را در موضع "اجراکننده" می‌بیند، نه در یک رابطه گفت‌وگو محور.	رابطه یک‌سویه متخصص- سیاستگذار	به عنوان مهندس اجتماعی

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴



تصویر شماره ۱: چالش تولید دانش در مجله آمایش سرزمین (نگارندگان، ۱۴۰۴)

در پاسخ به سوال کلیدی این مقاله یعنی شناسایی روندهای غالب، خلاها و سوگیری معرفت‌شناختی در پژوهش‌های حوزه آمایش سرزمین ایران، با تأکید بر مجله تخصصی «آمایش سرزمین»، در یک بازه زمانی مورد مطالعه و نیز سوالات فرعی این بخش می‌توان بر اساس وضعیت چاپ مقالات در ۱۶ شماره به قرار زیر موارد را به عنوان تحلیل ارائه کرد:

الف) شناسایی و توصیف روندهای غالب (چیستی) روش‌شناسی اثبات‌گرایانه مسلط: روند روشنی از سلطه پایدار روش‌شناسی کمی در تمامی دوره‌ها مشاهده می‌شود. این نشان‌دهنده هژمونی پارادایم اثبات‌گرایی در پژوهش‌های این حوزه است. در این پارادایم، واقعیت‌های فضایی و اجتماعی عینی و قابل اندازه‌گیری فرض شده و هدف پژوهش، کشف قوانین عام و روابط علی از طریق آزمون فرضیه است. تمرکز نهادی و جغرافیایی متمرکز: روند پایدار دیگری، تمرکز شدید هم‌زمان نهادی و جغرافیایی است. از یک سو، دانشگاه تهران به عنوان یک نهاد مرکزی، سهمی نامتناسب (تا ۷۰٪ در دوره‌های اول) در تولید دانش دارد. از سوی دیگر، استان تهران به عنوان کانون مطالعات میدانی، بیش از سایر مناطق مورد توجه قرار گرفته است. این دو روند، احتمالاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.

غلبه گفتمان «توسعه» و انتزاع نظری: از نظر موضوعی، روند غالب معطوف به مقولات کلی و کلان‌نگر مانند «توسعه پایدار» و «موضوعات نظری» است. این نشان می‌دهد گفتمان مسلط در مجله، بیش از آنکه معطوف به حل مسائل عینی و بومی مناطق خاص باشد، درگیر مباحث انتزاعی توسعه و نظریه‌پردازی عمومی است. موضوعاتی مانند «کاربری اراضی» و «صنایع تبدیلی» که ماهیت فنی-عملیاتی و پیوند نزدیک‌تری با زمینه محلی دارند، کمترین سهم را داشته‌اند.

روند کم‌رونق پژوهش‌های کیفی، ترکیبی و انتقادی: سهم ناچیز و راکد روش‌های کیفی و به ویژه ترکیبی (هرگز از ۶٪ فراتر نرفته) نشان می‌دهد رویکردهای تفسیری، ساخت‌گرا و انتقادی که می‌توانند به درک پیچیدگی‌های زمینه‌ای، ادراکات ذی‌نفعان و روابط قدرت در فضا بپردازند، در حاشیه قرار دارند.

ب) کشف خلاها و سوگیری‌های معرفت‌شناختی (پیامد و چرایی):

این روندهای غالب، سوگیری‌های عمیق معرفت‌شناختی زیر را در تولید دانش حوزه آمایش سرزمین آشکار می‌سازد: سوگیری به سمت «کمیت‌گرایی» و ساده‌انگاری پدیده‌های فضایی-اجتماعی: غلبه روش کمی، منجر به تقلیل مسائل پیچیده، چندبعدی و کیفی آمایش سرزمین (مانند عدالت فضایی، هویت مکانی، مشارکت اجتماعی، تضاد منافع) به متغیرهای قابل اندازه‌گیری و آمارهای رسمی شده است. این نگاه، ابعاد فرهنگی، ادراکی و سیاسی آمایش را نادیده می‌گیرد و دانش تولیدشده را از واقعیت‌های غنی و پیچیده مناطق دور می‌سازد.

سوگیری «مرکز-پیرامون» و تولید دانش ناهم‌بستر؛ تمرکز همزمان بر نهاد مرکزی (دانشگاه تهران) و فضای مرکزی (تهران)، نشان‌دهنده یک سوگیری جغرافیایی و نهادی در تولید دانش است. این امر چند خطر معرفت‌شناختی ایجاد می‌کند: دانش ناهم‌بستر؛ مسائل و راه‌حل‌های پیشنهادی ممکن است انعکاسی از دغدغه‌ها و شرایط ویژه مرکز باشند و قابلیت تعمیم و اجرا در بافت‌های گوناگون پیرامونی (از کردستان تا سیستان) را نداشته باشند.

حذف صداهای محلی: سلطه نهادی مرکز، احتمالاً به معنای حذف یا کم‌رنگ شدن نقش دانشگاه‌های محلی، پژوهشگران بومی و دانش محلی در تولید ادبیات علمی این حوزه است. در نتیجه، دانش تولیدشده ممکن است فاقد بینش عمیق نسبت به زمینه‌های محلی باشد.

سوگیری به سمت «نظریه‌پردازی کلی» و غفلت از «عمل‌گرایی بومی»: غلبه موضوعات انتزاعی نظری و توسعه پایدار کلی، در کنار کم‌رنگی موضوعات کاربردی مانند آمایش مناطق مرزی، روستایی یا محروم، نشان می‌دهد گفتمان علمی این حوزه ممکن است بیشتر درگیر مباحث جهان‌شمول و انتزاعی باشد تا پرداختن به مسائل عینی، فوری و خاص ایران و مناطق مختلف آن. این یک شکاف خطرناک بین نظریه و عمل در حوزه‌ای ذاتاً کاربردی مانند آمایش را نشان می‌دهد.

سوگیری علیه پارادایم‌های جایگزین و چندصدایی: کم‌رنگی روش‌های کیفی و ترکیبی، فضایی یک‌صدا و کم‌تنوع را در مباحث روش‌شناختی ایجاد کرده است. این امر امکان نقد درونی پارادایم مسلط، طرح پرسش‌های بدیع و رویارویی با ابعاد پیچیده‌تر مسائل فضایی را محدود می‌کند. حوزه آمایش که ذاتی میان‌رشته‌ای دارد، نیازمند تکثر روش‌شناختی است که این آمار آن را تأیید نمی‌کند.

و اما در بستر تبارشناسی نیز در پاسخ به سوال «گفتمان مسلط آمایش سرزمین» در ایران چگونه از طریق مقالات مجله تخصصی آن در دو دهه اخیر تولید، تثبیت یا به چالش کشیده شده است؟ چه مفاهیم، سوژه‌ها (انسان/مکان) و روابط قدرت در این گفتمان برساخت شده‌اند؟¹ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مجله «آمایش سرزمین» به عنوان یک دستگاه حقیقت‌ساز، عمدتاً در خدمت تثبیت و طبیعی‌سازی یک گفتمان نخبه‌گرا، تکنوکراتیک و مرکز‌گرا از آمایش بوده است. این گفتمان، دانش آمایش را به مثابه دانشی فنی-مهندسی و برنامه‌ریزانه برساخته که توسط متخصصان مرکز تولید و برای مناطق پیرامونی (به عنوان سوژه‌های منفعل) تجویز می‌شود. گسست یا چالش عمده‌ای در این گفتمان مشاهده نمی‌شود، بلکه شاهد بازتولید پایدار آن هستیم.

در خصوص برساخت مفهوم توسعه این گزاره که «مفهوم توسعه پایدار» به عنوان پرتکرارترین موضوع، در این مقالات با چه مؤلفه‌هایی و با اولویت‌بندی چگونه‌ای تعریف شده است؟ کدام ابعاد آن حاشیه‌نشین شده‌اند؟² می‌توان گفت:

برساخت یک توسعه کمی و فیزیکی: غلبه روش کمی و موضوعات کلانی مانند «توسعه شهری» و «مکان‌یابی» نشان می‌دهد «توسعه پایدار» در این گفتمان عمدتاً به ابعاد فیزیکی-کالبدی و اقتصادی تقلیل یافته است. شاخص‌های اندازه‌گیری، رشد زیرساخت‌ها و بهره‌وری فضایی، برجسته می‌شوند.

حاشیه‌سازی ابعاد اجتماعی و سیاسی توسعه: ابعاد کیفی، مشارکتی و عدالت‌محور توسعه پایدار (مانند توزیع عادلانه منافع توسعه، حفظ سرمایه اجتماعی، حق شهروندی در فضا) که نیازمند روش‌های کیفی و تحلیل گفتمان است، به حاشیه رانده شده‌اند. «پایداری» بیشتر به عنوان یک ویژگی فنی سیستم‌ها دیده می‌شود تا یک فرآیند اجتماعی-سیاسی مورد مناقشه.

طبیعی‌سازی یک الگوی خاص: تکرار این الگوی تقلیل‌گرا، آن را به تنها «حقیقت» قابل قبول و علمی در حوزه آمایش تبدیل کرده است. بدین ترتیب، هر گونه خوانش جایگزین از توسعه (مثلاً توسعه مبتنی بر اقتصاد غیررسمی، توسعه بوم‌محور یا توسعه مبتنی بر مقاومت اجتماعی) به عنوان غیرعلمی یا حاشیه‌ای طرد می‌شود.

در بستر بازنمایی فضا و مکان و اینکه «استان‌ها و مناطق کشور در این مقالات چگونه بازنمایی می‌شوند؟ به عنوان 'مشکل'، موضوع مطالعه، 'منبع' یا 'سوژه‌ای دارای عاملیت'؟» موارد زیر قابل طرح و بررسی است:

¹ Decontextualized

- بازنمایی فضا به مثابه «موضوع مطالعه» و «مسئله»: تمرکز مقالات بر استان‌های خاص (به ویژه تهران) و پرداختن به «منطقه مورد مطالعه»، فضاها را به سوژه‌های منفعل دانش تبدیل می‌کند. آنها «اشیایی» هستند که باید اندازه‌گیری، تحلیل و توسط مرکز «مدیریت» شوند. این نگاه، عاملیت ساکنان، نهادهای محلی و تاریخ خاص مکان را نادیده می‌گیرد.
- سلسله‌مراتب فضایی برساخت‌شده: تمرکز قاطع بر مرکز (هم به عنوان موضوع مطالعه و هم مکان تولید دانش)، یک سلسله‌مراتب فضایی را طبیعی جلوه می‌دهد: مرکز به عنوان «مرکز عقلانیت، پیشرفت و دانش» و سایر مناطق به عنوان «پیرامون نیازمند مطالعه، برنامه‌ریزی و توسعه». این روابط قدرت فضایی، در خود ساختار دانش تولیدشده بازتولید می‌شود.
- حذف روایات محلی: کمبود مقالات کیفی که به صدای مردم محلی، روایت‌های ایشان از مکان و تعاریف خودشان از «توسعه» بپردازد، نشان می‌دهد «حقیقت» درباره یک منطقه، تنها از منظر بیرونی و عینی متخصصان قابل شناخت است. این، یک قدرت اپیستمیک‌آ را به مرکز می‌دهد که حق تعریف کردن از دیگران را برای خود محفوظ می‌دارد.
- به تعبیر هاروی در تحلیل تثبیت دانش مدرن در تسلط نئولیبرال می‌توان نقش متخصصان را با این گزاره که «چگونه نویسندگان (عمدتاً دانشگاهی) از طریق این مجله، جایگاه خود را به عنوان 'کارشناسان قانونی' حوزه آمایش تثبیت کرده‌اند؟» به تحلیل زیر پرداخت:
- انحصار روش علمی: با تثبیت روش کمی به عنوان معیار طلایی علمی بودن، جامعه دانشگاهی (به ویژه دانشگاه‌های بزرگ مرکز) انحصار تولید «دانش معتبر» را در دست می‌گیرند. زیرا تسلط بر این روش‌ها و داده‌های کلان ملی، عمدتاً در اختیار این نهادهاست.
- زبان تخصصی به عنوان ابزار قدرت: تمرکز بر «موضوعات نظری» و تولید ادبیات پیچیده دانشگاهی، یک مرز بین متخصصان و غیرمتخصصان (سیاست‌گذاران عمومی، مردم محلی) ایجاد می‌کند. این زبان تخصصی، سازوکاری برای حفظ اقتدار اپیستمیک است.
- شبکه قدرت نهادی: سلطه آماري دانشگاه‌های بزرگ دیگر، یک شبکه قدرت نهادی را نشان می‌دهد که گردش ایده‌ها، داوری مقالات و تعریف مسائل مهم را کنترل می‌کند. این شبکه، گفتمان مسلط را از طریق مکانیسم‌هایی مانند رد مقالات با رویکردهای رادیکال یا کیفی محض، تثبیت می‌کند.
- برآیند این نوع تفکر فضایی منجر شده تا متخصصان دانشگاهی در این مجله، خود را نه به عنوان تسهیل‌گر گفت‌وگوی بین ذی‌نفعان، بلکه به عنوان «مهندسان اجتماعی» برساخته‌اند که «حقیقت» فنی فضای سرزمینی را می‌دانند و موظف به طراحی و تجویز راه‌حل برای آن هستند.
- با عنایت به موارد معنونه می‌توان به تحلیل گسست‌ها و تداوم‌ها در مجله پرداخت. در این رابطه این پرسش که آیا می‌توان در ادبیات این مجله، نقطه‌عطف‌ها یا گسست‌ها در نحوه نگاه به آمایش شناسایی کرد؟ قابل طرح بوده و بر اساس داده‌ها، تداوم آشکار است تا گسست. روندهای غالب از دوره اول تا شانزدهم به طور قابل توجهی پایدار مانده‌اند. این نشان می‌دهد:
- نهادینه‌شدن عمیق گفتمان: گفتمان تکنوکراتیک-مرکزگرا به قدری نهادینه شده که حتی نوسانات اندک در درصد روش‌ها یا موضوعات نیز خللی در منطق بنیادین آن ایجاد نمی‌کند.
- فقدان بحران معرفت‌شناختی: حوزه آمایش ایران، با یک بحران یا رویداد بزرگ فکری که پارادایم مسلط را به چالش بکشد (مانند جنبش‌های اجتماعی فضا محور، فجایع زیست‌محیطی بزرگ، یا تحولات نظری رادیکال در جغرافیای سیاسی) مواجه نشده است که در صفحات مجله بازتاب یابد.
- گسست احتمالی کوچک: تنها نشانه یک تنش یا گسست خفیف را می‌توان در کاهش سهم مقالات کمی از اوج و افزایش نسبی مقالات کیفی در مقطعی دید. این نشان‌دهنده ظهور آهسته صدای جایگزینی از درون خود نظام دانشگاهی باشد که خواهان توجه به ابعاد کیفی است، اما این صدا هنوز به قدرت کافی برای ایجاد دگرگونی گفتمانی نرسیده و در دل همان نهادها و روش‌های پیشین در حال جذب است.

² Epistemology

نتیجه گیری

کلان روایت ها و میراث اندیشه ای در هر جامعه علمی عموماً خود را در قالب انتشارات مکتوب و چندرسانه ای نمایش می دهد. روایت مجله آمایش سرزمین نیز به مانند تریبون قدرت نوعی از هم‌رسانی در تولید عدالت خواهی و شنیده شدن صدای پیرامون جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و دانشی است. دیالکتیک مقاله و کنشگران عرصه تولید دانش به صورت مقاله با بهره گیری از امتیاز دسترسی به داده، نزدیکی جغرافیایی، نزدیکی اقتصادی و ... بازتولید نابرابری را این بار در تولید مقاله رقم می زنند. در عین حال که از دیدگاه ساختاری نیز توجه به مجله و مقالات منتشر شده در آن به مانند یک موجود زنده می بایست نسبت به تحولات و مسائل روز جامعه واکنش نشان داده و اقدام به تجویز نماید.

این مقاله به جهت پرداخت انتقادی به شیوه عمل به موضوع مقالات چاپ شده در حوزه آمایش سرزمین به ویژه مقالات ارسالی به مجله آمایش سرزمین از چند منظر واجد نتایج مشخص است. نخست اینکه روایت اندیشمندان مارکسیسم و نئومارکسیسم در خصوص تولید و بازتولید نابرابری و تشدید آن در وجوه مختلف، در بازتاب مقالات چاپ شده نیز بیانگر این مهم است. در عین حال که دانش آمایش سرزمین بر اساس آنچه که در این مجله باز نمود یافته، هنوز بلوغ نظری، فلسفی و روش شناسی خود را طی نکرده است. فلذا از این روست که نوعی تسلط دیدگاه پوزیتیویستی و کمی گرایانه بر نگاه کیفی و پست مدرن وجود دارد. چارچوب های گاهاً فاقد تحلیل های عمیق غیرمحیطی، در عمده مقالات وجود داشته و مقالات نمی توانند هنر خلق دانش پویا را ارائه کنند.

هدف این پژوهش تحلیل مقالات منتشر شده در مجله آمایش سرزمین پردیس فارابی دانشگاه تهران بوده است که به صورت یک ادبیات نظامند صورت گرفته است. از آنجا که موضوع آمایش سرزمین در سال های اخیر توجه بسیار زیادی را به خود در کشور جلب نموده است و مسئولان امر به نوعی در پی آن هستند تا نابرابری های منطقه ای را به نحوی برطرف نمایند بنابراین انجام پژوهش های علمی مرتبط با موضوع آمایش سرزمین می تواند به مسولان مربوطه در راستای شناخت بهتر موانع و مشکلات موجود بر سر راه آمایش سرزمین و ارائه راهکارهای مناسب به آن ها می تواند مثمر ثمر واقع گردد. بنابراین با توجه به این که مجله آمایش سرزمین به صورت تخصصی در راستای آمایش سرزمین مقالات مختلفی را به چاپ می رساند لازم است مشخص گردد که این مقالات تا چه اندازه توانسته اند در راستای اهداف آمایش سرزمین و سیاست های کلی نظام مطالعاتی را انجام دهند. بنابراین می بایست این مجله از این حیث و مقالات منتشر شده در آن مورد ارزیابی قرار می گرفت. در این پژوهش چهار موضوع فراوانی روش تحقیق از حیث کمی یا کیفی بودن مقالات، نویسندگان مقالات، موضوعات مقالات و منطقه موردی مقالات منتشر شده پرداخته شده است.

نتایج پژوهش نشان داده است که اکثریت مقالات در همه دوره دوره ها بیشتر به روش کمی انجام شده است و می توان گفت که حداقل در همه دوره ها بیش از ۶۰ درصد مقالات به صورت کمی و در خوشبختانه ترین حالت که در دوره اول و دوره دهم بوده است بیش از ۳۰ درصد مقالات به صورت کیفی بوده اند و در دوره های دیگر اکثراً کمتر از ۳۰ درصد بوده است. از نظر تعداد مقالات منتشر شده در دوره های ۱۶ گانه دانشگاه تهران بیشترین تعداد مقالات را در این مجله به چاپ رسانده است و در رتبه بعدی دانشگاه آزاد اسلامی است که در همه دوره ها مقالاتی را به چاپ رسانده است. دانشگاه های اصفهان، شهید بهشتی تهران و تربیت مدرس تهران نیز در رتبه های بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مقالات به چاپ رسیده در دوره های مختلف نیز به دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه نور، دانشگاه زابل، دانشگاه یزد و دانشگاه سبزوار اختصاص یافته است. نتایج به دست آمده در این زمینه نشان دهنده این است که دانشگاه تهران در زمینه آمایش سرزمین فعالیت های بسیار خوبی را آغاز کرده است و توجه زیادی به موضوع آمایش سرزمین داده است و دانشگاه های دیگر کمتر به موضوع آمایش سرزمین پرداخته اند که به نظر می رسد با توجه به این که دانشگاه تهران به عنوان مادر دانشگاه های کشور شناخته می شوند و این دانشگاه ارتباطات تنگاتنگی با مسولان و برنامه ریزان کشوری دارند بیشتر به آمایش سرزمین توجه شده است.

در دوره های شانزده گانه بیشترین موضوعاتی که در دوره های مختلف در این مجله به چاپ رسیده است به ترتیب شامل توسعه پایدار، موضوعات نظری، موضوعات مختلف شهری، توسعه شهری و مکان یابی می باشد. همچنین موضوعاتی که در دوره های مختلف کمترین درصد مقالات چاپ شده را به خود اختصاص داده است به ترتیب شامل آمایش سرزمین در

کشورهای مختلف، صنایع تبدیلی و کاربری اراضی می‌باشد. نتایج به دست آمده در این رابطه بیانگر این است که دانشگاهیان به خوبی دریافته‌اند که توسعه پایدار مهم‌ترین پارادایم قرن بیست و یکم است و تا زمانی که توسعه پایدار محقق نشود بسیاری از معضلات و مشکلات در شهرها و روستاها برطرف نخواهد شد و توسعه شهری و روستایی محقق نمی‌گردد. از نظر منطقه مورد مطالعه نتایج نشان داد که موضوعات نظری با پانزده دوره مقالات منتشر شده به عنوان بیش‌ترین تعداد مقالاتی که در دوره‌های مختلف به چاپ رسیده است را به خود اختصاص داده است. استان تهران با دوازده دوره مقالات منتشر شده دومین رتبه را از نظر منطقه مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. نتایج به دست آمده بیانگر این است که موضوع آمایش سرزمین در استان تهران بیش از سایر استان‌ها مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از استان‌ها کمتر و یا توجه ناچیزی به این موضوع داشته‌اند.

مجله «آمایش سرزمین» در این شماره، کمتر صحنه چالش‌گفتمانی و بیشتر صحنه تثبیت و بازتولید یک رژیم حقیقت خاص بوده است. این رژیم حقیقت، آمایش را به یک مسئله فنی، عاری از تنش سیاسی و قابل مدیریت مرکزی تبدیل می‌کند. در این فرآیند، فضاها تهی از تاریخ و عاملیت، انسان‌ها به داده و متغیر، و متخصصان مرکز به سوژه‌های شناسای مقتدر بدل شده‌اند. تحلیل تبارشناسانه هشدار می‌دهد که این گفتمان مسلط، با حذف تکثر، منازعه و زمینه‌مندی، ممکن است نه تنها در حل نابرابری‌های فضایی ناکام بماند، بلکه خود به ابزاری برای تداوم نظم مرکز-پیرامون و طبیعی‌سازی دیدگاه‌های خاص تبدیل شود. برای دگرگونی، نیاز به ایجاد «گسست» از طریق ورود صداها، حذف شده، مسئله‌سازی مفاهیم مسلط و به چالش کشیدن روابط قدرت نهفته در دانش به ظاهر بی‌طرف آمایش است.

در نتیجه، این پژوهش نشان می‌دهد که دانش تولیدشده در یکی از مجلات اصلی حوزه آمایش، با وجود حجم کمی قابل توجه، دارای انقباض معرفت‌شناختی و جغرافیایی است. برای آنکه این دانش بتواند به رسالت ذاتی خود، یعنی هدایت به سوی توسعه متوازن، عادلانه و زمینه‌محور بهتر عمل کند، نیازمند یک بازنگری پارادایمی است. این بازنگری مستلزم تشویق به تکثر روش‌شناختی (به ویژه روش‌های ترکیبی و کیفی)، تقویت کانون‌های پژوهشی در مناطق مختلف کشور، اولویت‌دهی به مطالعات موردی عمیق و مسئله‌محور، و مهم‌تر از همه، گشودن فضا برای شنیدن صداها، روایت‌ها و دانش‌های به حاشیه رانده‌شده در فرآیند برنامه‌ریزی سرزمینی است. تنها از این طریق می‌توان امید داشت که دانش آمایش، به جای بازتولید نابرابری‌ها، به ابزاری رهایی‌بخش و توانمندساز برای تمامی ساکنان این سرزمین تبدیل شود.

این پژوهش با تلفیق روش‌شناسی سه‌سطحی (تحلیل کتاب‌سنجی کمی، تحلیل روند انتقادی، و تحلیل تبارشناسانه گفتمانی) به بررسی تولید دانش در حوزه آمایش سرزمین می‌پردازد. نوآوری اصلی مقاله در به کارگیری رویکرد تبارشناسی فوکویی برای کشف سوگیری‌های معرفت‌شناختی، گفتمان‌های مسلط و روابط قدرت نهفته در مقالات یک مجله تخصصی است. برخلاف مطالعات رایج که صرفاً به توصیف آماری مقالات بسنده می‌کنند، این تحقیق با عبور از سطح توصیفی، به تحلیل چرایی‌های ساختاری (مانند غلبه کمی‌گرایی، مرکزگرایی نهادی، و تقلیل مفاهیم کلیدی) و چگونگی بازتولید نابرابری‌های فضایی از طریق تولید دانش علمی پرداخته است. این رویکرد، امکان نقد رادیکال و بازخوانی انتقادی از دانش تولیدشده در یکی از مجلات اصلی این حوزه را فراهم ساخته و الگویی روش‌شناختی برای بررسی انتقادی سایر نشریات علمی ارائه می‌دهد. با عنایت به خروجی و تحلیل انجام شده پیشنهادات زیر جهت بهبود کیفیت مجله آمایش سرزمین می‌شود:

توسعه روش‌شناسی ترکیبی: طراحی و به کارگیری چارچوب‌های روش‌شناختی ترکیبی (کیفی-کمی) که هم عمق زمینه را درک کنند و هم قابلیت تعمیم داشته باشند.

تمرکز بر مناطق کمتر مطالعه‌شده: انجام مطالعات عمیق موردی در استان‌های مرزی، روستایی و محروم (مانند سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد).

مطالعات میان‌رشته‌ای رادیکال: همکاری با جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، فیلسوفان و هنرمندان برای کشف ابعاد پنهان آمایش (مانند حافظه مکانی، مقاومت محلی، زیبایی‌شناسی فضایی).

تحلیل گفتمان انتقادی: بررسی گفتمان‌های حاشیه‌ای و مقاومت در برابر گفتمان مسلط تکنوکراتیک در اسناد آمایشی.

پژوهش‌های تاریخی-تبارشناسانه: واکاوی تاریخی مفاهیم کلیدی آمایش (مانند «توسعه پایدار»، «تعادل منطقه‌ای») در اسناد برنامه‌ریزی ایران.

منابع

- ذکی، یاشار؛ افضلی، رسول؛ مرادی، اسکندر و رنجبری، کمال، (۱۳۹۸)، عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی ایران مطالعه موردی نواحی مرزی استان کردستان، مجله جغرافیا، شماره ۶۲، صص ۴۱-۶۱.
- حجازی، سیداسدالله و حبیب زاده، سایه، (۱۴۰۳)، فراتحلیل کیفی مقالات پژوهشی در حوزه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، مجله آمایش سرزمین، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- مختاری هش، حسین؛ وزین، نرگس و عطایی، سپیده، (۱۳۹۸)، راهبردهای آمایش مناطق مرزی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجله آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۶-۱۰۴.
- قربانی، رامین؛ زیاری، کرامت‌الله؛ سجودی، مریم؛ فرهادی، ابراهیم و شاخوان، عبدالله حسین، (۱۳۹۹)، تحلیل بر هم کنش کارکرد آموزش عالی و صنعت در ایران از منظر آمایش سرزمین، مجله آمایش سرزمین، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۴۷۰-۵۱۹.
- سجودی، مریم؛ زیاری، کرامت‌الله؛ پوراحمد، احمد و یاسوری، مجید، (۱۴۰۱)، بررسی طرحها و برنامه های سطوح ملی، منطقه ای، و استانی بر اساس رویکرد منطقه‌ای (موردپژوهی: طرحهای استان گیلان از منطقه یک آمایش سرزمین)، مجله آمایش سرزمین، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- گودرزی، محسن و حاجیانی، ابراهیم، (۱۴۰۲)، آینده پژوهی اجرای اهداف سند ملی آمایش سرزمین، مجله آمایش سرزمین، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱-۱۷.
- شفیع رودپشتی، میثم؛ رضایی، مهلا و رشیدنیا، فاطمه، (۱۴۰۲)، شناسایی چالشهای گردشگری مناطق روستایی در دوره همه گیری کرونا، با رویکرد آمایش سرزمین (مطالعه موردی: روستای سولقان)، مجله آمایش سرزمین، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۲۹۳-۳۰۶.
- جوانشیری، مهدی؛ نبیونی، سیروس و نامداززاده، مسلم، (۱۴۰۱)، آینده نگری توسعه منطقه‌ای و تحقق پذیری طرح-های آمایش سرزمینی کشور (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۵۵-۷۶.
- بهرامی جاف، ساجد؛ صالح آبادی، ریحانه و شیوارک، رحیم، (۱۴۰۱)، ارزیابی نقش تقسیمات کشوری در اجرای برنامه های آمایش سرزمین استان آذربایجان غربی، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۷۷-۹۴.
- ثامن، امیر و زبردست، اسفندیار، (۱۴۰۲)، آسیب‌شناسی تحقق‌پذیر آمایش سرزمین در ایران نمونه موردی دور چهارم مطالعات آمایش سرزمین، مجله مجلس و راهبرد، سال ۳۰، شماره ۱۱۵، صص ۱۲۷-۱۶۲.
- اکبری، یونس؛ ایمانی جاجرودی، حسین و رستمعلی زاده، ولی اله، (۱۳۹۵)، تحلیل و بررسی موانع آمایش سرزمین در ایران، مجله سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۶، شماره ۳، صص ۵-۱۳.
- Ellis, E.C. (2021). Land Use and Ecological Change: A 12,000-Year History, Annual Review of Environment and Resources, Vol.12, pp.1-33.
- Regasa, M.Sh., Nones, M., and Adeba, D. (2021). A Review on Land Use and Land Cover Change in Ethiopian Basins, Land, Vol.10, pp.1-18.
- Wang, G., LiuPing, D., & Jing, L. (2023). A study on the cognition of the regional types of rural revitalization from the perspective of land planning. Journal of King Saud University Science, 35(4), 100-111.

مقاله پذیرش شده